

عشق و عرفان

نویسنده:

علیرضا زواره

www.ketaboo.ir

فهرست فیبا

سرشناسه	: زواره، علیرضا، ۱۳۳۶-
عنوان و نام پدیدآورنده	: عشق و عرفان / نویسنده علیرضا زواره.
مشخصات نشر	: تهران: علم نو، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۴۳۹ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۴۳۸-۰۰-۱
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: عشق (عرفان)
موضوع	: عرفان
رده‌بندی کنگره	: BP ۲۸۶/۹ ع ۹۳۰ ۱۳۹۰
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۸۳
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۷۲۲۵۹۱-



ناشر: علم نو

نام کتاب: عشق و عرفان

سراینده: علیرضا زواره

ویراستار ادبی: محمدرضا محمدیوسفی

طراح و صفحه‌آرا: ولی‌آجورلو

چاپ: اول، ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ گل آذین

قیمت: ۹۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۴۳۸-۰۰-۱

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خیابان شهید وحید نظری،

بن‌بست فرزانه، شماره ۷، واحد ۳، تلفن: ۶۶۴۱۹۲۷۶

فهرست

مقدمه مولف.....	۹
عشق و محبت در ادعیه.....	۷۸
عوامل عشق.....	۷۹
عشق حقیقی.....	۸۶
■ دفتر اول	
جدال تاریخی عقل و عشق.....	۱۷
لغت و تعریف عقل.....	۱۹
لغت و تعریف دل.....	۲۱
عرفان و فلسفه.....	۲۵
ابن سینا و مکتب مشاء.....	۲۷
ابوسعید ابوالخیر.....	۲۸
شیخ شهاب الدین سهروردی.....	۲۹
حکیم سنایی.....	۳۰
عطار نیشابوری.....	۳۳
شمس الدین تبریزی.....	۳۶
مولانا جلال الدین مولوی.....	۴۰
شمس تبریزی.....	۴۴
■ دفتر دوم	
چشمه بقا.....	۴۹
ملاقات عقل و عشق (دیدار ابن سینا با ابوسعید ابی الخیر).....	۴۹
شیخ محمود شبستری.....	۵۱
اقبال لاهوری.....	۵۴
عشق و محبت در قرآن.....	۶۵
عشق و محبت در روایات.....	۷۴
■ دفتر سوم	
زنده عشق.....	۹۹
عشق مجازی.....	۹۹
تاثیرات عشق مجازی.....	۱۰۴
رابطه عشق حقیقی و مجازی.....	۱۰۵
عشق حقیقی و مجازی در قرآن.....	۱۰۶
خصوصیات عشق.....	۱۱۲
عقل و دل.....	۱۲۴
صفات عشق و حالات عشق.....	۱۲۹
سخنانی در عشق.....	۱۳۷
سریان عشق.....	۱۳۸
عشق و انسان.....	۱۳۹
معشوق حقیقی.....	۱۴۰
عشق انسانی از جنبه جسمانی.....	۱۴۲
تکامل وجودی.....	۱۴۳
انسان دو جنبه دارد.....	۱۴۵
معشوق حقیقی واحد است.....	۱۴۶
عشق به کمال مطلق.....	۱۴۷
عشق صادق.....	۱۵۰
عرفان نفس.....	۱۵۲
عشق و عبادت.....	۱۵۳

■ دفتر پنجم

عشق صوفیانه.....	۲۰۵
عشق فرض راه.....	۲۱۳
عشق سبب آفرینش کائنات است.....	۲۱۵
عشق مجنون و عقل عاقل.....	۲۲۰
گونه گونه محبت و عشق.....	۲۲۲
نظریه وسائط، مرتبه انسان کامل.....	۲۲۸
خالقیت زن.....	۲۳۰
عشق عذری.....	۲۳۲
دانش روانشناسی صوفیه.....	۲۳۳

■ دفتر ششم

عشق و محبت از دیدگاه محیی الدین	
بن عربی.....	۲۴۳
عشق و محبت.....	۲۴۳
القات عشق و محبت.....	۲۴۵
عشق بی نام (الطف).....	۲۴۸
عشق لطیف.....	۲۴۹
اسباب محبت خدا به خلق.....	۲۵۶
ویژگیهای محبت ثانوی.....	۲۵۶
پشیمانی از گناه (توبه).....	۲۵۷
پاکی طهارت.....	۲۵۷
پاکسازی (مطهر).....	۲۵۷
شکیبایی (صبر).....	۲۵۸
سپاسگزاری (شکر).....	۲۵۸
نیکوکاری (احسان).....	۲۵۸
مبارزه در راه خدا (جهاد).....	۲۵۹
زیبایی (حس و جمال).....	۲۵۹
محبت، انسان را کلمه الله می کند.....	۲۶۱
جایگاه حقیقی انسان را به او می نمایاند.....	۲۶۱
مقام خلیفه الهی انسان را حضور می بخشد.....	۲۶۲
جامه ضدین بر قامت عاشق می پوشاند.....	۲۶۳

انواع عبادت.....	۱۵۵
وحدت معبود.....	۱۵۶
فطرت.....	۱۵۷
فطریات سه گانه.....	۱۵۷
محبت و عشق آدمی به خود.....	۱۵۸
مناطق زوال با ثبات عشق.....	۱۶۰
وحدت ذات با کثرت جلوات.....	۱۶۴
مقام عقل در مرحله عشق.....	۱۶۷
عشق کامل زاده عقل سالم است.....	۱۶۸
کمال فرد با کمال اجتماع.....	۱۶۹

■ دفتر چهارم

عشق رمز حیات.....	۱۷۵
سیروسلوک.....	۱۷۵
تعریف عشق.....	۱۷۹
انواع عشق.....	۱۸۰
نتیجه.....	۱۸۱
انسان و خود (عشق و خود).....	۱۸۳
ما و دیگران (عشق و دیگران).....	۱۸۵
عشق به کمال و خیر و جمال.....	۱۸۶
عشق و فرازو نشیبهای زندگی.....	۱۸۷
عشق و مذهب.....	۱۸۹
عشق در قرآن.....	۱۹۰
عشق و دانش.....	۱۹۰
عشق و مستی.....	۱۹۱
تحصیل عشق.....	۱۹۱
دریافت عشق حقیقی.....	۱۹۲
عشق و عنایت پروردگار.....	۱۹۶
عشق در ادبیات و عرفان مناجات خواجه عبدالله	
انصاری.....	۱۹۶
کیمیای عشق.....	۱۹۷
غزالی.....	۱۹۷

عشق حقیقی، معشوق حقیقی.....	۳۰۷	درك وجود حضرت حق را آسان می کند.....	۲۶۳
عشق راز آفرینش.....	۳۱۰	تعریف محبوب.....	۲۶۴
عشق و محبت از دیدگاه امام خمینی (س).....	۳۱۱	محبوب همیشه بکر و پاکدامن است.....	۲۶۴
توبه.....	۳۱۷	یاد محبوب و فضای عاشق.....	۲۶۴
ورع.....	۳۱۸	محبوب محب را به صحت بعد از سکر	
زهد.....	۳۱۹	فرامی خواند.....	۲۶۵
فقر.....	۳۲۱	محبوب آفریده محب.....	۲۶۶
صبر.....	۳۲۲	گوناگونی محبوب.....	۲۶۶
توکل.....	۳۲۴	محبوب خیالی و مجازی.....	۲۶۶
رضا.....	۳۲۴	تعریف محب.....	۲۶۷
محبوب محبوب، محبوب است.....	۳۴۱	محب حامل وحی الهی است.....	۲۶۸
انواع محبوب.....	۳۴۱	نظام آفرینش، وامدار محب است.....	۲۶۹
		محب از همه به خدا نزدیکتر است.....	۲۶۹
		اقسام محب.....	۲۶۹
		تحول.....	۲۷۱
		ذبول.....	۲۷۲
		گرام.....	۲۷۳
		شوق.....	۲۷۳
		هیام.....	۲۷۴
		زفرا.....	۲۷۵
		کمد.....	۲۷۵
		ویژگی دوستدار خدا بی نامی است.....	۲۸۶
		تجسد محبوب.....	۲۹۰
		جانکاهی عشق.....	۲۹۰
		وفای عشق.....	۲۹۱
		پرنده عاشق.....	۲۹۱

■ دفتر هشتم

برنامه سلوک عملی از دیدگاه	
امام خمینی.....	۳۴۵
برداشت از نامه های عرفانی.....	۳۴۵
میزان در اعمال.....	۳۴۵
آفات نسیان حق.....	۳۴۷
آفات حب دنیا.....	۳۴۸
آثار تدبیر در قرآن.....	۳۵۱
صراط مستقیم.....	۳۵۲
لزوم کوشش در راه تهذیب.....	۳۵۲
پاره ای از آفات زبان.....	۳۵۴
نخستین گام در سلوک به سوی حق تعالی.....	۳۵۴
لزوم عمل به ظاهر شریعت.....	۳۵۵
عزم و اراده.....	۳۵۵
مشارطه، مراقبه و محاسبه.....	۳۵۶
یاد خدای متعال و نعمتهای او.....	۳۵۷
آثار به یاد حق بودن.....	۳۵۸
لزوم ضبط خیال.....	۳۵۸
اهمیت عبادت.....	۳۵۹

■ دفتر هفتم

عشق و محبت.....	۲۹۹
از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره).....	۲۹۹
عشق نورانی.....	۳۰۵
عشق مجازی معشوق مجازی.....	۳۰۶

۴۱۶.....	عاشق صادق.....	۳۶۰.....	اندیشه در شدت عذاب الهی.....
۴۱۷.....	شراره عشق.....	۳۶۰.....	بهترین راه علاج مفاسد اخلاقی.....
۴۱۷.....	مینای می.....	۳۶۱.....	بی اعتنایی به حب و بغض های مردم.....
۴۱۹.....	نماز و نیاز.....	۳۶۱.....	غیرت حق تعالی.....
۴۱۹.....	عاشقانت فی صلوه دائمون.....	۲۶۲.....	دعوت به اخلاص.....
۴۲۰.....	نماز شب.....	۳۶۳.....	چه جای این همه عشوه و تدلل.....
۴۲۰.....	خلوت و گمنامی.....	۳۶۴.....	مذمت تکبر.....
۴۲۱.....	کتمان.....	۳۶۴.....	محبت به بندگان خدا.....
۴۲۱.....	گمنامی عارفانه.....	۳۶۴.....	باید محبت اهل بیت (ع) با عمل همراه باشد.....
۴۲۱.....	رضای من رضای تو.....	۳۶۵.....	دعا و ختام.....
۴۲۲.....	بایدها و نبایدها.....	۳۶۵.....	چهار دستور العمل.....
۴۲۳.....	اهمیت علم.....	۳۷۰.....	نامه های اخلاقی آیت حق سید احمد طهرانی.....
۴۲۴.....	شمع طریق.....	۳۷۲.....	نامه های اخلاقی آیت حق محمد بهاری همدانی.....
۴۲۴.....	چشم دل.....	۳۷۳.....	نامه های اخلاقی آیت الله میرزا جواد ملکی تبریزی.....
۴۲۶.....	آیین دلبری.....	۳۷۹.....	وصیت نامه علامه حلی به فرزندش فخر المحققین.....
۴۲۷.....	صداقت.....		
۴۲۸.....	زیاد سخت نیست.....		
۴۲۸.....	صاعقه.....		
۴۲۹.....	حضور در خلوت انس.....		
۴۲۹.....	خالی شدن از اوهام و خیالات.....		
۴۲۹.....	راه عشق و ایثار از خود گذشتن.....		
۴۳۰.....	هوای نفس و انانیت.....		
۴۳۱.....	جسم با خلق، قلب با خدا.....		
۴۳۳.....	صیاد در کمین.....		
۴۳۳.....	لیک گوین شیطان.....		
۴۳۴.....	کنترل هوای نفس.....		
۴۳۶.....	تقرب به حضرت دوست.....		
۴۳۶.....	و فقط رضایت تو.....		

■ دفتر نهم

۳۸۵.....	راهکارهای علمی و عملی خواجه عبدالله انصاری برای نجات انسانها از مهالک دنیایی.....
۳۸۵.....	شرح حال خواجه عبدالله انصاری.....
۳۸۵.....	صد میدان.....

■ دفتر دهم

۴۱۱.....	سیر و سلوک عارف واصل انصاری همدانی.....
۴۱۳.....	هوای عشق.....

۴۳۹.....	فهرست منابع.....
----------	------------------

مقدمه مؤلف

سالها در حال سرگشتگی و حیرانی گم‌شده ای داشتم و در هر وادی و در هر مکان و زمانی سرکشیدم، ولی کمتر یافتم یا خیلی جاها نیافتم و اگر می‌یافتم کامل و ناب و آنچه می‌خواستم نبود و وقتی از آن جام می‌نوشیدم سیراب و سرمست و قانع نمی‌شدم، لذا راهی وادی دیگری می‌شدم. راهنمایی‌های زیادی گرفتم و مطالعات و بررسی‌های نسبتاً زیادی کردم و راههای زیادی را رفتم تا اینکه در دوران شباب و جوانی به یک عشق طبیعی و به تعبیر علمی مجازی رسیدم، در آن زمان تصور می‌کردم راه همین است و اگر به این مقصود و معشوق مادی و مجازی برسم به سعادت و آنچه می‌خواهم رسیده‌ام. آن عشق مجازی هم مشقات و سختی‌های خاص خودش را داشت و پس از طی مراحل سخت و طاقت فرسا و کشنده مقصود حاصل شد و وصال دست نداد که این خود مقدمه ورود به وادی دیگری بنام عشق عرفانی و الهی شد که مصادف با دوران پیروزی انقلاب اسلامی و باز شدن راههای معرفت دینی و الهی شد و پس از اندک مدتی جنگ تحمیلی آغاز شد و من وارد وادی جنگ و عشق و عرفان از نوع بازی با آتش و خون شدم.

وادی عاشقان و سوختگان عشق و حرمان و جنون و سربداران سردارها و حلاج‌های اربا اربا آنانکه موجودیت و هستی هست خود را روی دست گرفتند و تقدیم پیشگاه حضرت دوست کردند و فریاد هوالعشق و انا الحق سردادند و هستی خود را در راه حضرت عشق به خاکستری سوخته بدل کردند و به باد فنای عشق دادند تا به بقای حضرتش نائل شوند.

خاکستر وجود مرا گردهی به باد / اشتیاق رو به ره شهداء کند
در آن وادی هم که کرور کرور انسانها طی مسیر طریقت و سر در وادی شریعت کردند و به حقیقت رسیدند و شاهد وصال را در آغوش کشیدند و راه را از چاه نشان دادند، ما تجدید شدیم و به ۲/۵ روز جبهه و ۱/۵ درصد جانبازی رضایت داده و خاک سیاه عالم را بر سر خود ریختیم و در پایان دوران عشق و حرمان با دست خالی از آن وادی با رو سیاهی خارج شده و با یک دنیا حسرت و افسوس

نسبت به آنچه از دست داده ایم در پشت دروازه‌های بسته عشق و عاشق و معشوق و وصال به انتظاری پوچ و بی انتها نشسته و دست و پا از همه جا بریده و کوتاه و حالا تازه شروع به جبران مافات و حرکت در مسیر عشق و رسیدن به وصال معشوق الهی. و احسرتا راه وصالی را که می‌شد یک شبه و حتی یک ساعته و حتی یک لحظه طی کرد و کوتاهیها و قصورها مانع از رفتن آن شد، حالا ده‌ها سال است که می‌رویم و نمی‌رسیم و مقصود حاصل نمی‌شود و وصال دست نمی‌دهد. سالهاست که با مطالعه کتب عرفانی و سلوک بدنبال آن وصال عشق الهی می‌گردیم و می‌رویم و حاصل نمی‌شود.

دست از طلب ندارم تا کام جان برآید یا جان رسد به جانان یا جان زتن درآید و حالا ما بدنبال گمشده خود ره یک شبه را می‌خواهیم صد ساله برویم که آنهم حال رفیق راه نمی‌شود.

و به فرموده امام (ره): از قیل و قال مدرسه ام حاصلی نشد و جز حرف دلخراش پس از آن همه خروش در کتابهای اهل عرفان مطالعه کردم نشد و رو به آثار تصوف آوردم که در ادامه در متن و بطن کتاب خواهد آمد بعضی از اعمال و راههای آنها با شریعت منطبق نبود، مثل فلان عارف صوفی چند من نمک شبها به چشم‌های خود می‌کشیده که بیدار بماند و یا کارهای خارق العاده ای که بعضی از آنها از مسیر شریعت خارج بود و یا بعضی که سوء استفاده‌هایی اخلاقی شده و یا بعضی نظرات که منجر به عدم تقید به انجام واجبات دینی شده و... ولی بعضی اعمال و رفتار و روشهای مثبت هم از تعدادی از آنها که رعایت مسیر شرع را میکرده اند صادر شده که طی طریقت از مسیر شریعت کرده و به حقیقت رسیده اند.

و خیلی از آنها به انحراف رفته و به حقیقت نرسیده اند و خیلی از آنها هم از مسیر حق و شریعت منحرف نشده و به حقیقت رسیده و اگر نرسیده اند در آن مسیر بوده و عمر به پایان رسانده اند و کسانی دیگر راه آنها را ادامه داده و به حقیقت رسیده اند.

و این افراد واصل هم از عرفای اهل سنت هستند مثل ابن عربی، خواجه عبدالله انصاری، غزالی، حافظ، مولوی و... و هم در شیعه مثل عطار نیشابوری، آقا سیدعلی آقا قاضی و میرزا جواد ملکی تبریزی، آقای انصاری همدانی، آقای بهاء الدینی و حضرت امام (ره) که خاتم کامل واصل و عارف جامع همه ابعاد عرفان و اخلاق و سیاست و عشق و ایمان نظری و علمی عصر حاضر است.

در طول تاریخ عشاق زیادی در این طریقت سر دار شریعت رفتند ولی به حقیقت رسیدند مثل حلاج که چون مخالف منافع زورمداران درباری زمان خود یعنی وزیر خلیفه عباسی بود او را با دسیسه چینی بین وزیر و چند حاکم شرع درباری به جرم ادعای الوهیت و خروج از دین و چوب ارتداد به اعدام محکوم کرده و به بالای دار فرستادند و... که در متن کتاب مفصل آمده است.

همین حاکمان شرع درباری دین فروش بودند که همچون شریح قاضی حکم خروج از دین و مهدورالدم بودن را برای امام حسین (ع) صادر نمودند و همچون ابوموسی اشعری که حکم خلع امام علی (ع) را از خلافت در کنار خلع معاویه در حکمیت داد و همچون آن حاکم شرع (سید زنجانی) که حکم اعدام شهید شیخ فضل الله نوری را صادر نمود.

شیخ فضل... که داد از شریعت محمدی می زد و می گفت ما مشروطه مشروعه می خواهیم او را متهم به طرفداری از استبداد نموده و وقتی سفیر روس برای او پیغام داد که شما به سفارت روس بیائید وگرنه شما را می کشند، فرمود من ۷۰ سال نان اسلام را خوردم حالا پناهنده سفارت کفر شوم و مجدداً که سفیر روس پرچم روسیه را فرستاد که لااقل اجازه دهید که این پرچم را در بالای درب منزل شما نصب نمایند، باز هم شیخ فضل... اجازه نداد و فرمود ما ۷۰ سال زیر بیرق اسلام بوده ایم و حالا برای چند روز زندگی دنیا آخر عمری زیر بیرق کفر برویم؟

و او گرفتار خواص خائن عمله انگلیس و عوام دنباله رو ناآگاه شد و قتی به پای چوبه دار برده می شد مظلومیت آنقدر بالا بود که تعدادی از دوستان او هم به تماشا آمده بودند و مردم و حتی فرزند او پای چوبه دار کف می زدند و شادی می کردند و شیخ شهید رو به دوستان سابق خود نمود و گفت امروز عمامه مرا برداشتنند و بی حرمتی کردند، فردا نوبت شما خواهد بود و از جیبش قرآن کوچکی را بیرون آورد و گفت به این قرآن من طرفدار استبداد نیستم، من مشروطه مشروعه می خواهم، ولی عده ای هوچی گفتند نه بابا آن قرآن نبود، جلد بسته سیگار بود!!

و شیخ در میان آن هو و جنجال فرمود هذا کوفه صفیره!!
آری این چنین دنیا طلبان مزدور دنیا طلب و عمله استعمار، آن عاشق شریعت و حقیقت و مجتهد و مرجع مسلم را با ابزار شرع به بالای دار بردند که به گفته جلال آل احمد پیکر آن شیخ شهید در بالای دار نمونه استیلای دویست ساله استعمار بر بام این کشور بود.

فارغ از خود شدم و کوس اناللق بزدم همچو منصور خریدار سر دار شدم
در حالات عرفای شیعی و اهل سنت مطالعه و تفحص کردم، البته به مقدار توان خودم نه خیلی وسیع،

تا اینکه شرح حال خیلی از آنها خصوصاً متاخرین شیعه از فقها و مراجع که در مسیر عرفان قدم برداشته‌اند.

و راه‌هایی که آنها برای رسیدن به حقیقت برداشته و راهکارها و دستورالعمل‌هایی که ارائه داده‌اند خیلی کمک کار و راهگشا بود. خصوصاً راهکارهای خواجه عبدا... انصاری در صد میدان و ابن عربی در مبحث عشق و محبت در فتوحات مکیه و علی‌الخصوص راهکارهای نظری و عملی امام خمینی (ره) در کتب عرفانی و اخلاقی ایشان مثل چهل حدیث، آداب الصلوه، مصباح الهدایه، دیوان اشعار شرح حال ایشان در سیره فردی و اجتماعی و کتاب جنود عقل و جهل و نامه‌های اخلاقی و عرفانی ایشان به حاج سید احمد آقا و خانم فاطمه طباطبایی.

و بعضی سفارش‌ها و توصیه‌ها و نامه‌های عرفای وارسته ای چون بهاری همدانی، حسینقلی همدانی و میرزا جواد ملکی تبریزی راهگشای راه سخت و پر پیچ و خم مسیر هدایت و رسیده به سعادت و نجات از مهالک دنیا و دنیا طلبی بود، ولی ناگفته نماند که اینها هم جنبه نظری دارد و راهکار علمی عرفان اسلامی و الهی است.

و آنچه مهم است عمل به آنهاست که دست ما کوتاه و همت بسیار کم و شیطان و هوای نفس قوی و تعلقات به دنیا بی نهایت، وابستگی به دنیا بی شمار و راه سخت و ناهموار و توشه راه کم و با بضاعت ناچیز و در این عرصه عمل می‌خرند و آنها هم عمل خالص و با نیت پاک و فقط فقط برای رضای حضرت دوست و ما هم که هزار دوست دیگر داریم تا برسند به حضرت دوست.

و در این میدان دو صد من گفته چون نیم کردار نیست.

و در این بازار عمل خالص و با نیت خالص می‌خرند و بس. و این وارستگان از قیود مادی و شیطانی هستند که تا حدودی نجات یافته و به راه فلاح و صلاح رهنمون گشته‌اند.

و باید تمام همت و کوشش ما این باشد که قلب خود را برای او جاروب کرده و غیر او را از جایگاه الهی و عرش رحمانی و حرم الهی که همان قلب است بیرون کنیم و جز او را به درون آن قلب راه ندهیم و هیچکس و هیچ چیزی را جز او موثر ندانیم.

و به قلب خود ببارانیم که حب الدنیا راس کل خطیئه می‌باشد.

و دل را فقط برای عشق ورزیدن به او و جایگاه عشق به او قرار دهیم و از هر چه غیر اوست دل بکنیم و سراپا وجود خود را غرق در دریای عشق او و غوطه ور در دریای عشق او قرار دهیم.

و مغرور به این مطالعات و اطلاعات و اصطلاحات نشویم که بفرموده حضرت امام (ره) یگانه عارف جامع در

تمامی ابعاد اسلامی که فرموده این علوم حتی علوم عرفانی و توحید شاید حجاب اکبر بشود برای سالک. حضرت امام(ره) در نامه ای که خانم فاطمه طباطبایی نوشته اند اشاره دارند به اینکه:

چنان به عمق اصطلاحات و اعتبارات فرو رفته و بجای رفع حجب، به جمع کتب پرداختیم که گویی در کون و مکان خبری نیست جز یک مشت ورق پاره که به اسم علوم انسانی و معارف الهی و حقایق فلسفی طالب را که به فطرت الله مفلور است، از مقصود بازداشته و در حجاب اکبر فرو برده است. اسفار اربعه با طول و عرضش از سفر بسوی دوست بازم داشت، نه از فتوحات، فتحی حاصل و نه از فصوص الحکم، حکمتی دست داد، چه رسد به غیر آنها که خود داستان غم انگیز دارد و چون به پیری رسیدم، در هر قدم آن مبتلا به استدراج شدم تا به کهلوت و مافوق آن، که الان با آن دست به گریبانم. در پایان لازم است این نکته را یادآور شوم که بخاطر علاقه به این موضوعات خصوصاً مسئله عشق آن هم عشق الهی اقدام به جمع آوری این مطالب در کتب مختلف که مورد مطالعه قرار می‌دادم، کردم و این حاصل آن مطالعات و جمع آوری‌ها و تنظیم آنها می‌باشد که نتیجه ۲۰ سال مطالعات و حاصل دو سال جمع آوری و ثبت آنها بودم و سعی کردم تا آنجا که امکان دارد عین مطالب را بدون دخل و تصرف بیاورم و نظرات ارباب عشق و عرفان را عیناً ارائه نمایم.

و اگر در این کار نقصی و ایرادی ملاحظه گردید که حتماً خالی از نقص و ایراد نیست به حساب کم همتی و بی دقتی نگارنده بگذارید و در جهت رفع آن به هر وسیله ممکن از راهنمایی و ارشاد و رفع نقص دریغ نفرمائید و این عاصی سرا پا تقصیر و وامانده از کاروان عشق و سرگشته در وادی تاسف و حسرت را از دعای خیرتان فراموش نفرمائید.

و از خداوند متعال و از پیشگاه حضرت دوست خواهانم که دست ما را بگیرد و مدد نماید و ما را به کاروان شهیدان عشق برساند و به مجمع شاهدان دو عالم رهنمون فرماید.

به مجمعی که در آیند در آن شاهدان دو عالم به جستجوی تو خیزم، به گفتگوی تو باشم لازم به یادآوری است که نظرات و ایرادات بعضی از صاحب نظران را که در رد و یا اشکال بر برخی آراء و نظرات تصوف بیان شده جمع آوری نموده و در قالب رساله ای جدا ارائه می‌شود که انشا... مورد توجه علاقمندان قرار بگیرد.